

واکوی جرم اخذ سند به عنف در پرتو تحولات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

جمال بیگی^{۱*}^{۱*} استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۰-۵۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

اکراه، تهدید، نوشته، سند، ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی.

نویسنده مسوول:

جمال بیگی

آدرس پستی:

ایران، مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی

تلفن:

000000000000

کد ارکید:

0000-0001-7031-5874

پست الکترونیک:

Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

زمینه و هدف: فصل بیست و دوم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با عنوان «تهدید و اکراه» متضمن مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ است که با اندکی تغییر همان مواد ۲۳۳ و ۲۳۵ قانون مجازات عمومی سابق می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: حقوقدانان در این مورد از عناوینی چون تهدید اشخاص، اخاذی و یا اخذ مال یا سند به عنف و یا تهدید و اخاذی استفاده می‌کنند که هرچند مقصود و منظور را به کلی می‌رساند، لیکن جامع همه مصادیق و موارد مذکور در مواد قانونی مربوط نیست.

نتیجه‌گیری: برای جلوگیری از سلب آزادی معنوی اشخاص در حقوق ایران، جرایم مستقلی نظیر اخذ سند یا نوشته به عنف به شرح ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده است. تحلیل مختصر این ماده مبین این امر است که مقنن فعلی بر خلاف قانون‌گذار قبل از انقلاب و بر خلاف حقوق کشورهای خارجی مثل فرانسه، از حیث نوع و میزان مجازات، بین نحوه تهدید و موضوع آن و خواسته تهدیدکننده هیچ تمایزی قائل نشده است.

مقدمه

از نظر تقسیم‌بندی جرایم، جرم موضوع ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در دسته جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص قرار می‌گیرد. شخصیت معنوی انسان نیز گاهی به آزادی اراده او مربوط است و گاهی از حیثیت و آبروی او تشکیل می‌گردد که صدمه به هر یک از این دو جنبه شخصیت انسان، جرایم خاصی تلقی می‌شود که صدمه به آزادی اراده انسان جرایم خاصی چون تهدید (Threat) و اکراه (Duress) را به وجود می‌آورد. درحالی که مطابق اسناد بین‌المللی حقوق بشری نظیر ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، بند الف ماده ۱۱ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰ (ناصر زاده، ۱۳۷۲: ۱۳-۷)، مقدمه و بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۴۸-۲۴) و همچنین برابر مقررات داخلی از جمله بند ۶ اصل ۲، بند ۷ اصل ۳ و اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (در سطح قانون اساسی) و ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ (در سطح قوانین عادی)؛ هر انسانی حق دارد با اختیار و اراده زندگی نموده و تحت هیچ‌گونه فشار و ترسی نباشد، چون تهدید و اکراه، در مجنی علیه رعب و ترس ایجاد نموده و سبب می‌شود که مجنی علیه کارهای خود را به صورت عادی و با اراده آزاد انجام ندهد، به همین دلیل این اعمال مجرمانه، جزء جرایم علیه آزادی اراده محسوب می‌شوند. بنابراین فلسفه جرم‌انگاری این جرم به نقش حمایتی حقوق جزا بر می‌گردد (کوشا، ۱۳۸۰: ۳۴-۲۷) که در اینجا سلامت اراده و آزادی اشخاص و بزه دیدگان به طور خاص مورد حمایت قرار می‌گیرند.

ضمن این که تهدید برابر بند الف ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ یکی از مصادیق معاونت در جرم بوده؛ به موجب بند ۵ ماده ۶۵۱ قانون مجازات

اسلامی ۱۳۷۵ وسیله تحقق جرم سرقت تعزیری مشدده بوده؛ تهدید به بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسائل نقلیه عمومی به موجب ماده ۵۱۱ همین قانون، به عنوان جرم علیه امنیت تلقی و قاعده اکراه «رُفَعَ مَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ» و مواد مربوطه در کتاب حدود (در جرایم حدی)، تهدید و اکراه نقش عوامل رافع مسئولیت کیفری را ایفاء می‌کنند. در باب جرایم علیه اشخاص، تهدید و اکراه رکن جرایم مستقل موضوع مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ را تشکیل می‌دهند که تحلیل ماده ۶۶۸ و بررسی ارکان و شرایط تحقق این جرم و مقایسه با جرایم مشابه دیگر، مدنظر این مقاله می‌باشد. بر همین اساس و در طی مباحث مطروحه به سوال‌های ذیل پاسخ داده و نتیجه‌گیری خواهیم نمود:

۱. بین جرایم موضوع مواد ۶۶۸ و ۵۹۶ چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟
۲. وجوه افتراق مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ کدامند؟
۳. این جرم واجد حیثیت عمومی بوده یا دارای حیثیت خصوصی می‌باشد؟
۴. نوع و میزان مجازات شرکت، معاونت، تعدد و تکرار این جرم با توجه به تحولات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ چگونه است؟
۵. آیا شروع این رفتار مجرمانه جرم بوده و این که از حیث تحقق نتیجه حاصله مطلق می‌باشد یا مقید؟
۶. موضوع تهدید و اکراه و دامنه شمول آن‌ها و نقش وسیله در این جرم چیست؟

۱- ارکان متشکله جرم اخذ سند یا نوشته به

عنف

هر جرم از سه رکن قانونی، مادی و معنوی تشکیل می‌شود و برای محکوم شدن متهم به ارتکاب جرم، بایستی کلیه اجزای این ارکان توسط مرجع تعقیب اثبات شود. جرم اخذ سند یا نوشته به عنف مثل سایر جرایم عمومی، دارای ارکان و شرایطی است که تحقق آن منوط به تحقق این ارکان و شرایط می‌باشد.

۱-۱ رکن قانونی

قانون گذار قبل از انقلاب ذیل فصل ششم تحت عنوان «تهدید و اکراه»، ماده ۲۳۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ را به این جرم اختصاص داده بود که برابر آن اشعار می‌داشت: هر کس دیگری را به جبر و قهر و یا به اکراه و تهدید ملزم نماید به این که نوشته و یا سندی بدهد یا نوشته یا سندی را امضاء یا مهر کند یا سند و نوشته‌ای را که مال خود اوست یا سپرده به اوست از او بگیرد به حبس تادیبی از ۳ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

قانون گذار بعد از انقلاب به موجب قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ و در ذیل عنوان «تهدید و اکراه» و به شرح ماده ۱۱۲ مقرر می‌داشت: هر کس دیگری را به جبر و قهر و یا به اکراه و تهدید ملزم نماید به این که نوشته یا سندی بدهد یا نوشته یا سندی را امضاء یا مهر کند و یا سند و یا نوشته‌ای را که مال خود اوست و یا سپرده به اوست به وی دهد به حبس از ۲ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد. سرانجام با تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به سال ۱۳۷۵ و الغاء کلیه قوانین قبلی به موجب ماده ۷۲۹ آن قانون، ماده ۶۶۸ در ذیل فصل بیست و دوم با عنوان «تهدید و اکراه»، به عنوان رکن قانونی لازم الاجرای جرم اخذ سند یا نوشته به عنف با اندکی تغییر با مستندات قانونی قبلی، به این شرح آمده است: هر کس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از ۳ ماه تا ۲ سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. با مقایسه و تطبیق اجمالی ماده ۶۶۸ با ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ می‌توان ادعان داشت که هرچند موضوع هر دو ماده اخذ نوشته یا سند می‌باشد، لیکن تفاوت‌های ذیل را می‌توان بین این دو ماده بر شمرد:

۱- مجنی علیه و قربانی جرم ماده ۵۹۶، تنها شخص غیر رشید می‌باشد، حال آن که بزه دیده موضوع ماده ۶۶۸ می‌تواند هر شخصی اعم از رشید یا غیر رشید باشد، چرا که واژه «دیگری» به صورت مطلق آمده است.

۲- با فرض غیر رشید بودن قربانی، جرم ماده ۵۹۶ تنها در صورتی تحقق می‌پذیرد که اخذ نوشته یا سند با سوء استفاده از ضعف نفس یا هوی و هوس یا حوایج شخص غیر رشید صورت گیرد، این در حالی است که جرم موضوع ماده ۶۶۸ به جای سوء استفاده از ضعف نفس یا هوی و هوس که بیش‌تر نشانگر ترغیب و تطمیع است، با اعمال تهدید در گرفتن نوشته یا سند ارتکاب می‌یابد.

۱-۲ رکن مادی

برای بررسی رکن مادی جرم اخذ نوشته یا سند به عنف باید رفتار مرتکب، موضوع و وسیله توسل به قهر، جبر، اکراه و تهدید، نتیجه و رابطه سببیت میان رفتار فیزیکی و نتیجه مجرمانه را شناخت.

۱-۲-۱ رفتار مرتکب

توسل به جبر و قهر یا اکراه و تهدید، مجموعه روش‌هایی است که قانون‌گذار تحقق این جرم را موکول به آن‌ها نموده است. جبر در لغت به معنای ناچار کردن و به زور دیگری را وادار به انجام کاری نمودن آمده است. (معین، ۱۳۶۳: ۱). قهر نیز به معنای چیرگی، غلبه، عنف و زور می‌باشد (معین، همان). از منطوق ماده هم چنین بر می‌آید که از نظر قانون‌گذار جبر و قهر مترادف بوده و ناظر به اخذ نوشته یا سند با توسل به زور و به طور مادی و فیزیکی است و منظور از آن‌ها اقداماتی است که متضمن اثر عینی است مانند ضرب و جرح، تخریب، بازداشت طرف، ایجاد حریق، گرفتن دست طرف و امضاء یا مهر کردن نوشته یا سند و امثال آن‌ها. در کنار این روش‌ها، قانون‌گذار به اکراه و تهدید نیز تصریح نموده است. اکراه در لغت به معنای

قطعی تاثیرگذاری اکراه و تهدید بر رضا و اختیار طرف و ملزم نمودن او به دادن سند و غیره، نمی‌توان هر نوع تهدیدی را مشمول این ماده دانست. لازم به ذکر است با توجه به چهار روش و طریق احصائی برای ارتکاب این جرم، بدیهی است که ملزم کردن دیگری به دادن سند یا نوشته و یا اخذ آن بایستی از طریق اعمال جبر و قهر یا تهدید و اکراه باشد. از این رو اخذ نوشته، سند و یا مهر و امضاء از طریق فریب و نیرنگ و یا با توسل به لطایف الحیل از مجنی علیه را نمی‌توان مشمول مقررات این ماده دانست. حتی برخی از حقوق‌دانان معتقدند که کلمات تهدید و اکراه را در این ماده باید ناظر به اجبار دانست نه صرف اکراه یا تهدید ساده (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۳۸۰) و چنان چه اجبار قانونی باشد مشمول حکم این ماده نخواهد بود. مانند این که مامور نیروی انتظامی در اجرای دستور مقام قضایی با اجبار، نوشته‌ای را از دیگری بگیرد.

با توجه به این که چهار روش یاد شده در این جرم، مثل بسیاری از جرایم عمدی به منظور دست یابی به عنصر مادی در این ماده مطرح گردیده و منظور مقنن این بوده که در غیر از این موارد، جرم محقق نشود و به عبارت دیگر روش در این ماده موضوعیت دارد. بنابراین با توجه به اجزاء رکن مادی به شرح فوق (ملزم کردن و گرفتن) می‌توان گفت که رکن مادی این جرم مثل اکثر جرایم عمدی، فعل و به صورت رفتار فیزیکی مثبت می‌باشد و لذا ترک فعل مشمول مقررات این ماده نخواهد بود. لذا پس از اتمام روش، عنصر مادی مطرح می‌گردد که در این جرم عبارت است از:

الف: ملزم کردن دیگری به دادن نوشته یا سند از طریق اعمال جبر و قهر یا تهدید و اکراه. بدین صورت که مجنی علیه مجبور یا مکره شود که نوشته یا سندی را بنویسد و به مجرم بدهد.

ب: ملزم کردن دیگری به امضاء یا مهر نوشته یا سند از طریق اعمال جبر و قهر یا تهدید و اکراه. بدین معنی که مجرم، نوشته یا سندی را که خود یا دیگری نوشته

زور و به ستم به کاری واداشتن و وادار نمودن است (معین، همان) که البته این اجبار و واداشتن باید مقرون به قهر و جبر باشد. تهدید نیز به معنای ترسانیدن و بیم دادن می‌باشد. (معین، همان) در این ماده، اکراه و تهدید نیز مترادف بوده و به معنای توسل به زور و فشار غیرمادی و واداری طرف بدون توسل به جبر و قهر است. وجه مشترک روش‌های فوق، اثرگذاری بر اختیار طرف است، به گونه‌ای که ناچار به دادن سند یا نوشته و غیر آن‌ها شود و چون اکراه به معنای واداری یا ملزم کردن دیگری به انجام کاری است که به اجرای آن رضا ندارد، لذا جبر، قهر و تهدید در معنا می‌توانند از مصادیق اکراه تلقی شوند (آقایی نیا، ۱۳۹۴: ۱۷۶). مقنن در این ماده تهدید را از حالات معاونت خارج می‌کند و آن را جرم خاص می‌شناسد. در این فرض شخص تهدیدکننده مباشر اصلی جرم بوده و معاون نمی‌تواند باشد، چرا که در معاونت حتما باید جرم دیگری به وقوع بپیوندد تا در کنارش شخص تهدیدکننده، معاون جرم باشد (هادی، ۱۳۸۳: ۱۸).

جرم اخذ سند به عنف بنا به تصریح ماده، هم در حالتی که جبر و قهر یعنی زور و خشونت فیزیکی برای اخذ نوشته یا سند به کار می‌رود و هم در موارد اکراه و تهدید یعنی ترسانیدن طرف بدون اعمال زور فیزیکی محقق می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۵۵۸). تصریح قانون‌گذار به «ملزم نمودن دیگری» مؤید این معنا است که صرف توسل به جبر، قهر و اکراه یا تهدید کافی نیست و بنابراین این گونه اقدامات بایستی اختیار یا رضای طرف به دادن نوشته یا سند یا ... را متزلزل یا زایل کرده باشد. از سوی دیگر، صرف زوال اختیار طرف نیز لزوماً نمی‌تواند منتهی به مجرمیت مرتکب موضوع این ماده باشد، چرا که ضروری است که اثبات شود این طرق به طور متعارف قابلیت زوال اختیار را داشته‌اند و در عین حال اگر مشخص شود که به رغم اثر این اقدامات بر اشخاص متعارف (زوال اختیار)، تاثیری بر اختیار طرف نداشته، نمی‌توان مرتکب را مجرم شناخت. بنابراین با توجه به ضرورت

۲. متعلق به ثالثی است تا بتوان دیگری را ملزم به دادن نوشته، سند، امضاء یا مهر نمود. مانند آن که الف، شخص ب را تهدید می‌کند که در صورت امتناع از تحویل سندی به او فرزندش را خواهد کشت. با توجه به متن صدر ماده ۶۶۸ و مشروط بر این که عرفاً بتوان تهدید یا صدمه به ارزش‌های ثالث را مؤثر در الزام دیگری به حساب آورد، منعی برای شمول این ماده بر الف وجود نخواهد داشت. چراکه با توجه به اصطلاحات مجازی و زبان زرگری و یا زبان قراردادی به کار گرفته شده، اصولاً ماهیت و خطر تهدید برای توصیف آن در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین لازم نیست تهدید قربانی همیشه به طور مستقیم باشد، بلکه کافی است وقتی تهدید در مقابل شخص ثالث صورت می‌گیرد، در شرایطی به عمل آید که مرتکب می‌دانسته و اطمینان داشته که شنونده جریان را به اطلاع قربانی می‌رساند. در این حالت به فرض آن که خبر بد منتقل هم نشود باز جرم واقع شده است (گلدوزیان، ۱۳۹۰: ۲۱۴/۱). لیکن چون ضرورت دارد تهدید در تهدید شده مؤثر واقع شود به نظر می‌رسد که لازم است خبر بد و تهدید منتقل گردد و لذا تهدید ممکن است غیر مستقیم و با ارسال پیام و پیغام صورت گیرد. موضوع این جرم منحصر در نوشته، سند، امضاء یا مهر است؛ از این رو اخذ وجه، مال منقول یا غیر منقولی مثل کلید، خودرو و سایر کالاها غیر از مصادیق مذکور در ماده را نمی‌توان مشمول مقررات این ماده دانست. اما لازم نیست که نوشته یا سند مالی باشد. حال در صورت مال محسوب شدن، هر گاه ربودن هم صورت گیرد ممکن است تحقق عنوان سرقت نیز به ذهن متبادر شود که در این صورت به شرایط هر جرم بایستی توجه کرد (زراعت، ۱۳۸۹: ۹۵۳). با این وجود برخی معتقدند که نوشته یا سند اخذ شده باید دارای ارزشی اعم از مادی یا معنوی باشد. در غیر این صورت استفاده از قهر و اکراه برای گرفتن آن معنی پیدا نمی‌کند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۵۵۹). هرچند واقعی یا غیر واقعی بودن تهدید بی‌تأثیر است، لیکن هدف

است به مجنی علیه بدهد تا در نتیجه اجبار یا اکراه آن را امضاء یا مهر نماید.

ج: گرفتن نوشته یا سند متعلق به طرف و یا سپرده شده به وی از طریق اعمال جبر و قهر یا اکراه و تهدید. با این توضیح که نوشته یا سندی که نزد مجنی علیه است و متعلق به خود اوست یا شخص دیگری نزد او سپرده است، از وی با جبر و قهر یا اکراه و تهدید گرفته شود بدون این که بخواهد آن را بنویسد یا امضاء یا مهر کند.

۲-۲-۱ موضوع و وسیله توسل به قهر، جبر، اکراه و تهدید

همه ارزش‌ها، حقوق و آزادی‌های قانونی از قبیل جان، سلامتی، مال، ناموس، عرض، حیثیت و امثال آن‌ها می‌توانند موضوع تعرض قرار گیرند. چرا که وسیله ارتکاب یا ارزش‌هایی که موضوع آن‌ها قرار می‌گیرند، در این ماده تصریح نشده‌اند و لذا صرف توسل به قهر، جبر، اکراه و تهدید کافی بوده و به وسیله ویژه‌ای مقید نیست. بنابراین با سلاح، ابزار، شفاهی، کتبی، علنی یا غیر علنی و حتی با ایماء و اشاره نیز تحقق برخی از این موارد مانند تهدید قابل تحقق‌اند. طبیعی است که خطر تهدید در همه این موارد یکسان نیست. مثلاً تهدیدی که به صورت اتفاقی و در نزاع لفظی صورت می‌گیرد همان خطری را ندارد که تهدید کتبی دارد. زیرا تهدید کتبی با تفکر و تصمیم قبلی انجام می‌شود و احتمال تحقق آن زیاد است، لیکن تهدید ناگهانی لفظی، حالت اتفاقی دارد که از روی خشم و غضب صورت می‌گیرد. کما این که تهدید با اسلحه و تهدید با لفظ در یک درجه از خطر قرار ندارند. موضوع یا ارزشی که چنین اقدام‌هایی نسبت به آن اعمال می‌شود از دو حالت ذیل خارج نیست:

۱. متعلق به شخصی است که قرار است نوشته، سند، امضاء یا مهر را بدهد. مانند آن که الف با مصدوم کردن ب، وی را ملزم به امضاء سندی می‌نماید و یا تهدید به آتش زدن اتومبیل متعلق به او می‌کند.

سوء نیت عام موضوع این ماده را عمد در ارتکاب رفتار تهدیدآمیز با علم مرتکب بر بی حقی خویش بدانیم، به نظر می‌رسد به دلیل تزلزل در رکن معنوی، جرم تهدید محقق نخواهد شد. اما اگر به مبنا و فلسفه جرم انگاری این ماده که همانا حمایت قانون گزار کیفری از تمامیت معنوی اشخاص است توجه نماییم، به نظر می‌رسد که صرف انگیزه مشروع و اعتقاد جازم مرتکب به حقانیت خویش، موجب خروج عمل از شمول ماده ۶۶۸ نمی‌شود. چرا که نگهدارنده این اسناد و نوشته‌ها ممکن است حقی بر آن‌ها داشته باشد که مرتکب با گرفتن قهر آمیز یا تهدید آمیز آن‌ها، وی را از آن حق محروم می‌کند. حتی در غیر این صورت، نمی‌توان با مجاز دانستن خودیاری و تقاص از سوی صاحبان حق موجبات بر هم خوردن نظم عمومی را فراهم آورد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۵۵۸).

۳-۲-۱ نتیجه حاصله

قانون‌گذار در ماده ۶۶۸، با تصریح بر این که «هر کس ... دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء یا مهر نماید» از یک سو و نیز تاکید بر «هر کس ... سند یا نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد» از سوی دیگر، تحقق نتیجه را شرط لازم برای وقوع این جرم دانسته و لذا صرف توسل به جبر، قهر، اکراه یا تهدید با هر منظوری کافی به مقصود نیست. اجزاء موارد فوق عبارتند از:

الف: منظور از دادن نوشته یا سند یا امضاء یا مهر، اقدام طرف به تنظیم سند یا نوشته و یا مهر یا امضاء کردن آن‌ها و متعاقب آن تحویل به مرتکب است. محل تنظیم یا مهر و امضای نوشته یا سند مؤثر در مقام نیست. از این رو، توسل به جبر، قهر، اکراه یا تهدید دیگری به حضور در دفترخانه و امضای اسناد، تفاوتی با غیر آن ندارد. با توجه به این که صرف امضاء یا مهر یا تنظیم سند از سوی مجنی علیه کافی نبوده و تحویل آن به مرتکب (به هر نحوی از انحاء) هم ضروری می‌باشد، لذا جرم موضوع ماده ۶۶۸ را می‌بایستی مرکب، آنی و مقید

مرتکب لزوماً از تهدید باید تحصیل منفعت نامشروع باشد (پاد، ۱۳۸۳: ۲۵۹/۱). واژه سند که برابر ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، هر نوشته‌ای است که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد؛ مطلق است و اعم از سند پرداخت وجه و غیر آن می‌باشد و اگر چه کلمه نوشته مذکور در این ماده عنوان عام و مطلقی است و لیکن به نظر نمی‌رسد گرفتن هر نوع نوشته‌ای جرم باشد و ضرورت دارد که نوشته مذکور سندیت داشته باشد. لیکن برخی معتقدند که ظاهر ماده هر نوع نوشته‌ای اعم از این که سندیت داشته یا نداشته باشد را در بر می‌گیرد (زراعت، ۱۳۸۸: ۲۹۶/۲). از این رو حتی اگر فردی سند فاقد اعتباری (مثل یک نامه شخصی بدون امضاء یا یادداشت عادی) را با اعمال زور یا تهدید از مجنی علیه اخذ نماید، باز هم عمل ارتكابی وی مشمول مقررات این ماده خواهد بود.

اخذ نوشته‌ای که متعلق به گیرنده است ولی به دیگری سپرده شده، وقتی مصداق این ماده است که حق استرداد وجود نداشته باشد. زیرا اخذ نوشته، سند، مهر یا امضاء اشخاص زمانی جرم است که نوعاً به‌گونه‌ای باشد که اخذ آن قابلیت اضرار به غیر را داشته و بتواند نوعاً برای اشخاص ایجاد التزام نماید که چنین امری در فرض مورد بحث منتفی است. با این وجود برخی مطلقاً اخذ نوشته یا سندی که متعلق به مرتکب بوده را از شمول ماده ۶۶۸ خارج می‌دانند (گلدوزیان، ۱۳۹۰: ۲۱۵/۱). برخی نیز با توجه به اصل ۱۵۶ قانون اساسی که مرجع تظلمات، تعدیات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات را قوه قضائیه قرار داده، معتقدند که به مصلحت یک جامعه سازمان یافته و مبتنی بر قانون این است که مطلق الزام را جرم بدانیم. چرا که در متن ماده ۶۶۸ به چنین مواردی اشاره نشده است (آقایی نیا، ۱۳۹۴: ۱۷۸).

سؤال این است که اگر مرتکب با علم به حقانیت خویش و با انگیزه مشروع، دیگری را تهدید به اخذ سند یا نوشته‌ای نماید که حقی برای خود نسبت به آن متصور است، آیا از شمول این ماده خارج است؟ اگر

شروع به جرم بوده و یا این که مشمول جرم ماده ۶۶۹ خواهد بود؟ لازم به ذکر است که در صورت اعتقاد به این که، صرف ایجاد الزام در شخصی مبنی بر دادن نوشته یا سند و ... منجر به تحقق جرم موضوع صدر ماده ۶۶۸ می‌شود، دیگر سؤال مطروحه فوق سالبه به انتفاع موضوع خواهد بود، لیکن از آن جایی که اکثر حقوق دانان، موضوع جرم این ماده را به طور کلی (اعم از موضوع قسمت صدر و اخیر ماده) مقید می‌دانند، از این رو در مقام پاسخ به این سؤال بایستی اذعان داشت بنابر اصل قانونی بودن جرم و مجازات که در اصل ۳۶ قانون اساسی پذیرفته شده است، برابر مقررات ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شروع به جرم در صورتی جرم محسوب شده و قابل مجازات می‌باشد که در این ماده مورد تصریح قرار گرفته باشد و چنین تصریحی در مورد مجازات جرم اخذ سند یا نوشته به عنف که حبس ۳ ماه تا ۲ سال و شلاق تعزیری تا ۷۴ ضربه بوده و منطبق با درجه ۶ از مجازات های تعزیری ماده ۱۹ می باشد، وجود ندارد. چرا که در ماده ۱۲۲ برای شروع به جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق تعزیری یا حبس تعزیری درجه ۶ باشد مجازاتی پیش بینی نشده است. لذا شروع به اخذ سند یا نوشته به عنف، تنها در صورتی قابل مجازات خواهد بود که عملیات و اقداماتی که در راستای ارتکاب این جرم انجام گرفته اند، خود تشکیل جرم مستقل را بدهند. از سوی دیگر، با توجه با این که موضوع جرم ماده ۶۶۹ بر خلاف موضوع این جرم، مطلق بوده و مقید به نتیجه حاصله نمی‌باشد، لذا اگر به واسطه جبر و قهر یا اکراه و تهدید، مرتکب جرم موفق به اخذ سند یا نوشته نشود، عمل ارتكابی مشمول ماده ۶۶۹ خواهد بود.

۱-۳ رکن معنوی

جرم موضوع ماده ۶۶۸ از جمله جرایم عمدی بوده که مرتکب علاوه بر علم بر بی حقی خود بر توسل به جبر، قهر، اکراه و یا تهدید دیگران، می‌بایستی در انجام اقدام های مذکور قاصد بوده (سوء نیت عام) و قصد

به نتیجه دانست. لیکن برخی جرم موضوع صدر این ماده را از جمله جرایم مطلق دانسته اند. بدین معنی که صرف ایجاد الزام در شخصی مبنی بر دادن نوشته یا سند و ... را برای تحقق این جرم کافی می‌دانند. از این رو معتقدند چنان چه فردی با اکراه و تهدید، دیگری را ملزم به دادن یک فقره چک نماید و مجنی علیه نیز این الزام را به وجهی الزام آور پذیرفته و ملتزم شود ولی دادن چک را موکول به اخذ دسته چک خود در هفته آینده از بانک نماید، این میزان از عمل مرتکب برای تحقق جرم موضوع صدر ماده کافی است (حجتی و باری، ۱۳۹۳: ۶۶۹).

ب: مصداق مجرمانه دیگر این ماده عبارت است از این که شخصی با جبر و قهر یا اکراه و تهدید، سند یا نوشته‌ای را که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد. بدیهی است در این مصداق، سند یا نوشته‌ای که به طور کامل تنظیم گردیده و نزد طرف موجود می‌باشد، عینا در نتیجه جبر، قهر، اکراه و یا تهدید به مرتکب داده می‌شود و لذا در مقید بودن جرم موضوع قسمت اخیر ماده ۶۶۸ هیچ تردیدی وجود ندارد.

ج: چنان چه اقداماتی که شخص مجبور، مقهور، مکره و یا تهدید شده انجام می‌دهد واجد وصف مجرمانه باشد مشمول قاعده اکراه خواهد بود و اکراه کننده سبب اقوی محسوب می‌گردد. به عنوان مثال اگر الف بر اثر اکراه، ناچار به دادن سندی به شخص ب شود که نزد وی به امانت گذاشته شده، مرتکب جرم خیانت در امانت گردیده که مشمول حکم مواد ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ خواهد بود.

۱-۲-۴ شروع به جرم اخذ سند یا نوشته به

عنف

با توجه به این که جرم اخذ سند یا نوشته به عنف، مقید به دادن نوشته یا سند یا امضاء یا مهر است. حال این سؤال مطرح می‌شود که اگر عمل ارتكابی مرتکب منتهی به گرفتن این اشیاء نشود، موضوع تحت عنوان

۱-۱-۲ مباشرت در اخذ سند یا نوشته به عنف

مرتکب این جرم، علاوه بر این که به جبر، قهر، اکراه و یا تهدید جهت دست یابی به نوشته یا سند و ... متوسل می‌شود، ممکن است به دستور دیگری این کار را انجام دهد تا اشیای تحصیل شده را در اختیار امر قرار دهد. به هر حال مجازات مباشرت در این جرم برابر ماده ۲۳۳ قانون مجازات عمومی، حبس تادیبی ۳ ماه تا ۳ سال بوده که در قانون‌گذاری سال ۱۳۶۲ و به شرح ماده ۱۱۲ (قانون تعزیرات) به ۲ ماه تا ۲ سال حبس تقلیل یافت و در حال حاضر، مجازات مباشر به موجب ماده ۶۶۸، مضاف بر ۳ ماه تا ۲ سال حبس، تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری می‌باشد که در مقایسه با نوع و میزان مجازات‌های تعیینی سابق، به دلیل شدید بودن به حکم ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عطف به ماسبق هم نمی‌تواند بشود.

۲-۱-۲ شرکت در اخذ سند یا نوشته به عنف

با توجه به این که ضابطه «شرکت در عملیات اجرایی» به شرح ماده ۲۷ قانون مجازات عمومی، در قوانین بعد از انقلاب و به موجب ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به ضابطه «مستند بودن جرم به عمل همه شرکا» تغییر یافته است. از این رو اگر اخذ سند یا نوشته یا مهر یا امضاء با توسل به روش‌های احصائی مذکوره در ماده ۶۶۸ و به عبارت دیگر، انجام این عملیات مستند به عمل همه مداخله‌کنندگان عالم به ماهیت جرم ارتكابی باشد، شرکت در این جرم محقق گردیده و مجازات هر یک از شرکای این جرم به حکم مواد ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، ۳ ماه تا ۲ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.

۲-۲ معاونت در اخذ سند یا نوشته به عنف

معاون جرم بدون این که در عملیاتی که جرم را مستند به عمل او نماید شرکت کند؛ به مجرم کمک کرده و وقوع جرم را تسهیل می‌نماید. به موجب تبصره ماده ۱۲۶

نتیجه یعنی دست یابی به نوشته یا سند را نیز داشته باشد (سوء نیت خاص). به عبارت دیگر، عمد در جبر و اکراه و نیز وجود قصد خاص اخذ نوشته یا سند در مرتکب ضروری است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۵۵۸). از این رو، صرف توسل به اقدام‌های فوق، حتی در صورتی که با قصد انجام شود، کافی نخواهد بود. به عنوان مثال اگر سارق، اهالی منزل را مورد ضرب و شتم قرار دهد و یا آن‌ها را تهدید نماید و آنان به انگیزه رهایی خودشان، مبادرت به صدور چک و تسلیم آن به سارق نمایند، نمی‌توان ضارب یا تهدیدکننده را که هدفش از اقدام‌های مذکور، الزام اهالی به سکوت بوده، مشمول این ماده دانست (آقایی نیا، ۱۳۹۴: ۱۷۹). هرچند که برخی نیز اعتقاد دارند که ظاهراً قصد اضرار به غیر، سوء نیت خاص این جرم نیست (زراعت، ۱۳۸۹: ۹۵۲).

۲- همکاری در ارتكاب جرم اخذ سند یا نوشته به عنف

در نظام حقوقی ایران نیز مثل سایر نظام‌های حقوقی، غیر از مباشر جرم، کسانی که در ارتكاب عمل مجرمانه به او مساعدت و کمک می‌نمایند، نیز قابل مجازات می‌باشند. تشخیص شرکای جرم از معاونان، قابل استناد بودن یا نبودن عمل مجرمانه به رفتار آن‌هاست که به اختصار مجازات مباشرت، شرکت و معاونت در این جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲ مباشرت و شرکت در اخذ سند یا نوشته به عنف

اگر مرتکب مستقیماً موجب بروز جرمی شود، به گونه‌ای که عرف بدون هیچ‌گونه شک و تردیدی نتیجه جرم را منتسب به وی داند، این را مباشرت در جرم نامند. حال آن که شرکت در جرم زمانی رخ می‌دهد که نتیجه جرم مستند به رفتار همه افراد دخیل در آن باشد. مباشرت و شرکت در جرم اخذ سند به عنف هم تابع قواعد و احکام کلی جرایم تعزیری می‌باشد.

نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرایم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به این که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می‌گردد. بنابراین از حیث تشدید مجازات به جهت تعدد جرم، دادگاه مکلف است در مواردی که تا سه جرم ارتكاب یافته باشد، حداکثر مجازات جرم اشد و در مواردی که متهم بیش از سه جرم مرتکب شده باشد، بیش از حداکثر مجازات جرم اشد حکم دهد به شرطی که از حداکثر به علاوه نصف تجاوز نکند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۸/۳). لذا اگر کسی مرتکب اخذ نوشته یا سند به عنف و بیش از دو جرم از جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶ نشود و به همه آن‌ها به طور هم زمان رسیدگی شود، دادگاه برای هر یک از آن جرایم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرایم ارتكابی مرتکب بیش از سه جرم باشد مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به این که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین خواهد نمود. لیکن در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء می‌باشد. نکته‌ای که در مورد تعدد جرایم ارتكابی مرتکب جرم موضوع ماده ۶۶۸ قابل ذکر است این است که نه تنها در صورت ارتكاب جرایم مختلف به همراه اخذ نوشته یا سند به عنف، مجازات مرتکب حسب مورد مشمول مقررات ماده ۱۳۴ می‌شود، بلکه چنانچه اقدام مرتکب تحت عناوین قهر، جبر، اکراه و یا تهدید به نتایج مجرمانه دیگری نیز منتهی شود. مانند این که طرف تهدید یا اجبار کشته شود، برابر مقررات ماده ۱۳۵ این قانون، مجازات تعزیری ماده ۶۶۸ با مجازات قصاص جمع و با توجه به سالب حیات بودن قصاص و حق الناس بودن مجازات تعزیری ماده ۶۶۸، ابتدا تعزیر اجرا می‌گردد.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، معاونت در جرم قبل و یا در حین ارتكاب جرم قابل تصور می‌باشد و لذا اعمالی که پس از اتمام جرم، در جهت کمک به مجرم برای فرار و یا برای اختفای آلات جرم انجام می‌شوند، را نمی‌توان معاونت در جرم دانست. هرچند که ممکن است این اعمال جرم خاصی محسوب گردند. برای مثال، ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند، از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند، حسب مورد به ۱ تا ۳ سال حبس محکوم خواهد شد». بدین ترتیب برای تحقق معاونت جرم موضوع ماده ۶۶۸، لازم است معاون با علم و اطلاع از ماهیت این جرم و با برخورداری از سوء نیت عام و خاص، با توسل به یکی از طرق مذکوره در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موجب تحریک مباشر در اخذ نوشته یا سند یا امضاء یا مهر گردد. به موجب ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی، مجازات معاونت در جنحه یا جنایت، مجازات مباشرت در ارتكاب آن بود. لیکن در حال حاضر، به موجب بند ت ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، معاون جرم به ۱ تا ۲ درجه پایین تر از مجازات جرم ارتكابی (درجه ۶) قابل تعزیر می‌باشد که با لحاظ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ معاون این جرم، به مجازات تعزیری درجه ۷ یا ۸ محکوم می‌گردد.

۳- تعدد و تکرار جرم اخذ سند یا نوشته به

عنف

چون جرم اخذ سند یا نوشته به عنف از زمره جرایم مستوجب تعزیر می‌باشد، حکم تعدد یا تکرار آن را باید در مواد فصل پنجم و ششم از بخش سوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ یافت.

۱-۳ تعدد جرم

برابر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در جرایم موجب تعزیر هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم

۲-۳ تکرار جرم

با عنایت به ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه ۱ تا ۶ محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا ۱/۵ برابر آن محکوم می‌شود. به عبارت دیگر، در تکرار جرایم موجب تعزیر دادگاه مکلف است مرتکب را به بیش از حداکثر مجازات جرم جدید محکوم کند، بدون آن که از یک برابر و نیم حداکثر مذکور تجاوز کند. قانون‌گذار جدید هم متأسفانه در وضع قواعد تکرار جرم نسبت به تعداد سوابق محکومیت قطعی متهم، ویژگی‌های شخصی او یا گرایش و عادات او به ارتکاب جرم، سیاست خاصی اتخاذ نکرده است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۰۰/۳). لذا هر گاه شخصی که به موجب حکم دادگاه به مجازات جرم موضوع ماده ۶۶۸ (به عنوان یک مجازات تعزیری) محکوم شده است، بعد از اجرای حکم یعنی تحمل حبس و اجرای شلاق تعزیری مقرر، مجدداً مرتکب جرم اخذ سند یا نوشته به عنف یا جرم قابل تعزیر دیگری گردد، دادگاه وی را در صورت تحقق شرایط ماده ۱۳۷ به حدکثر مجازات تا ۱/۵ برابر آن تشدید نماید.

می‌گردد. حال به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا جرم اخذ نوشته یا سند به عنف به شرح مذکور در ماده ۶۶۸ از زمره جرایمی است که دارای حیثیت عمومی می‌باشد و یا برعکس، از آن دسته جرایمی است که حیثیت خصوصی بر آن‌ها غلبه دارد؟ در پاسخ می‌توان اذعان داشت که اولاً: مستنبط از تعریف فقهای اسلامی در مورد حق الله و حق الناس که کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی سابق نیز در تفکیک جرایم دارای حیثیت عمومی و خصوصی از آن ضابطه تبعیت نموده (قوه قضائیه، ۱۳۶۳: ۸/۲)، جرم موضوع ماده ۶۶۸ چون موجب تضرر شخص یا اشخاص خاصی می‌باشد، لذا واجد حیثیت خصوصی است. ثانیاً: برابر نظریه شماره ۷/۳۶۴۷-۱۳۷۶/۷/۷ اداره حقوقی قوه قضائیه ملاک تشخیص جرایم عمومی و خصوصی، قوانین مربوطه است (به نقل از اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۴، ص ۵۳۲)، بدین معنی که اگر در قانون، تعقیب جرمی منوط به شکایت شاکی خصوصی قرار داده باشد خصوصی است و الا عمومی و جرم موضوع ماده ۶۶۸ مستنداً به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جرایم قابل گذشت تلقی می‌شود که با گذشت شاکی مستنداً به بند ب ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

ظهور کمال و شکوفایی شخصیت هر شخصی در سایه احترام و رعایت حقوق و آزادی‌های فردی از جمله منوط به این است که در انجام یا عدم انجام امور مباح مربوط به زندگی روز مره خود در حدود نظامات حقوقی آزادی عمل داشته و تحت تاثیر اجبار مادی یا تهدید معنوی کاری انجام ندهد. آزادی روان و به لسان حقوقی آزادی اراده (مثل آزادی جسم)، یکی از موهبت‌های الهی و از مهم‌ترین آزادی فردی و مدنی است که سلب آن موجب اختلال در نظم عمومی و بر هم

۴- حیثیت خصوصی جرم اخذ سند یا نوشته به عنف

علی‌رغم این که کلیه جرایم دارای خصیصه عمومی می‌باشد و اصل بر حیثیت عمومی بودن جرایم می‌باشد، این نکته را هم نباید انکار کرد که در برخی از جرایم، ضرر مستقیمی که به متضرر از جرم وارد می‌شود، بسیار بیش‌تر از ضرری است که به طور غیرمستقیم به کل جامعه وارد می‌گردد (بیگی، ۱۳۹۷: ۳۷). بنابراین، در این گونه از جرایم، پیگیری جرم توسط جامعه منوط به شکایت فرد زیان دیده از جرم می‌باشد و با گذشت وی تعقیب و مجازات متوقف

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در خصوص نگارش مقاله و امانت‌داری در ارجاعات رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از همه عزیزانی که در به سامان رسیدن این تحقیق ما را یاری رساندند تشکر می‌کنیم.

سهم نویسندگان

نگارش و تألیف این مقاله مشترکاً توسط تمامی نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافی وجود ندارد.

زدن آسایش افراد می‌شود. برای جلوگیری از سلب آزادی معنوی اشخاص در حقوق ایران، جرایم مستقلی نظیر اخذ سند یا نوشته به عنف به شرح ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ پیش بینی شده است. تحلیل مختصر این ماده مبین این امر است که مقنن فعلی بر خلاف قانون‌گذار قبل از انقلاب و بر خلاف حقوق کشورهای خارجی مثل فرانسه، از حیث نوع و میزان مجازات، بین نحوه تهدید و موضوع آن و خواسته تهدیدکننده هیچ تمایزی قائل نشده است. این در حالی است که اصل تناسب کیفر با جرم ارتكابی اقتضاء می‌کند که حتی المقذور تهدیدهای جانی هم سنگ با تهدیدهای مالی از حمایت یکسانی برخوردار نباشند. به دلیل عدم تصریح قانون‌گذار و به تبعیت از اصل قانونی بودن مجازات بایستی اذعان داشت که صرف شروع به رفتار مجرمانه مذکور در این ماده واجد وصف کیفری نمی‌باشد و ضمن قابل گذشت بودن، به دلیل برخورداری از وصف تعزیری مشمول قواعد عمومی شرکت، معاونت، تعدد و تکرار جرم، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و ... ناظر بر جرایم تعزیری درجه ۶ می‌شود. تفاوت‌های ظریفی بین این ماده با ماده ۶۶۹ وجود دارد. از جمله این که ماده ۶۶۹ مطلق تهدید را صرف نظر از تقاضای مرتکب، جرم می‌داند، درحالی که در ماده ۶۶۸ دادن نوشته یا سند یا مهر یا امضاء از سوی بزه دیده به مرتکب شرط اساسی است. طرق و شیوه های ارتكاب جرم موضوع ماده ۶۶۸ منحصر به جبر، قهر، اکراه و تهدید بوده، حال آن که تهدید موضوع ماده ۶۶۹ به هر نحوی قابل ارتكاب می‌باشد. در نهایت مضاف بر تفرید متناسب کیفر برای مرتکب جرم موضوع ماده ۶۶۸، اتخاذ ساز و کارهای پیشگیری غیر کیفری با توجه به مطلوبیت سیاست جنایی پیشگیرانه و رسالت اصلی قوه قضائیه، پیشنهاد نگارنده می‌باشد.

منابع

- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۴). حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، شخصیت معنوی. چاپ ۷، تهران: میزان.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. جلد ۳، چاپ ۱، تهران: میزان.
- بیگی، جمال (۱۳۹۷). «تقریرات حقوق کیفری اختصاصی ۱» دوره دکتری تخصصی رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ایران.
- پاد، ابراهیم (۱۳۸۳). حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص. جلد ۱، چاپ ۲، تهران: ققنوس.
- قوه قضاییه (۱۳۶۳). پاسخ و سؤالات از کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی. جلد ۲، چاپ ۱، تهران: قوه قضاییه.
- حجتی، سید مهدی و باری، مجتبی (۱۳۹۳). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۲، تهران: دادستان.
- زراعت، عباس (۱۳۸۸). شرح قانون مجازات اسلامی، تعزیرات. جلد ۲، چاپ ۲، کاشان: ققنوس.
- زراعت، عباس (۱۳۸۹). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۴، تهران: ققنوس.
- قانون آیین دادرسی کیفری. مصوب ۱۳۹۲.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۱۳۶۸.
- قانون تعزیرات. مصوب ۱۳۶۲.
- قانون مجازات اسلامی. مصوب ۱۳۷۵.
- قانون مجازات اسلامی. مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مجازات عمومی. مصوب ۱۳۰۴.
- قانون مدنی. مصوب ۱۳۰۷.
- کوشا، جعفر (۱۳۸۰). «کار کردهای حقوق جزا». مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (۵)، ۲۳-۳۸.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۰). حقوق جزای اختصاصی. جلد ۱، چاپ ۱۷، تهران: دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴). محشای قانون مجازات اسلامی بر اساس قانون مصوب ۹۲. چاپ ۲، تهران: مجد.
- معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. جلد ۱، جلد ۲، چاپ ۸، تهران: امیر کبیر. (معین، ۱۳۶۳: ۱)
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۳). حقوق کیفری اختصاصی ۱، جرایم علیه اشخاص. چاپ ۱۷، تهران: میزان.
- ناصر زاده، هوشنگ (۱۳۷۲). اعلامیه‌های حقوق بشر. چاپ ۱، تهران: جهاد دانشگاهی.
- هادی، حامد (۱۳۸۳). «بررسی تهدید در ماده ۴۳ و ۶۶۸ یا ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی». مجله گواه، (۵): ۱.



The Analysis of Crime Document Obtained by Force in the Light of Developments in the Islamic Penal Code 1392

Jamal Beygi^{1*}

*1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

ARTICLE INFORMATION:

Article Type: *Original Research*

Pages: 58-70

Article history:

Received: 15 Apr 2020

Edition: 17 Jun 2020

Accepted: 15 Jun 2020

Published online: 21 Jun 2020

Keywords:

Duress, Threat, Writing, Document,
Article 668 of the Islamic Penal Code.

Corresponding Author:

Jamal Beygi

Address:

Iran, Maragheh, Islamic Azad
University

Orchid Code:

0000-0001-7031-5874

Tel:

000000000000

Email:

Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Twenty-second chapter of the fifth book of the Penal Code, adopted in 1375 as "Threat and Duress" encompasses Articles 668 and 669 are that a slight change in the Articles 233 and 235 of the Former General Penal Code.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Lawyers in the case of titles such as personal threats, blackmail or property or document obtained by force or threat and blackmail are that although its purpose and order in general, but of all the examples and cases mentioned in the articles are not relevant.

Conclusion: In order to prevent the deprivation of the spiritual freedom of individuals in Iranian law, independent crimes such as obtaining a document or writing by force are provided as described in Article 668 of the 1996 Islamic Penal Code. A brief analysis of this article shows that the current legislator, unlike the legislator before the revolution and contrary to the rights of foreign countries such as France, in terms of type and amount of punishment, does not distinguish between the type of threat and its subject and the threat of the threat.

Cite this article as:

Beygi J. The Analysis of Crime Document Obtained by Force in the Light of Developments in the Islamic Penal Code 1392. *Economic Jurisprudence Studies*. 2020; 2(2): 0-00.